



## پیام کنگره سیزدهم کومه له به زندانیان سیاسی و خانواده هایشان!

در صفحه ۴



## پیام کنگره سیزدهم کومه له به خانواده جانباختگان!

در صفحه ۳

## اطلاعیه پایانی کنگره سیزدهم کومه له

به اطلاع می‌رسانیم که کنگره سیزدهم کومه له در روزهای نیمه اول مرداد ماه ۱۳۸۷ برابر با نیمه دوم ماه ژوئیه ۲۰۰۸ میلادی همزمان در دو مکان، در خارج کشور و در کردستان عراق که از طریق شبکه ارتباط اینترنت به هم مربوط شده بودند، برگزار گردید و بعد از ۵ روز کار فشرده با موفقیت پایان یافت. در صفحه ۲



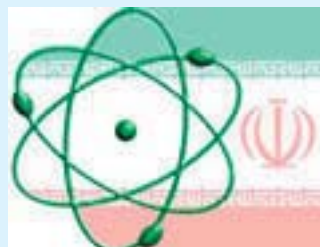
## انتقال سرمایه و شرایط کار و زیست کارگران



سرمایه داری برای جبران کاهش در نرخ سود، حیطه بازاریابی برای فروش کالاهای خود را گسترش می‌دهد، کالاهای زیادی تولید می‌کند و به بازارهای مختلف در اقصاء نقاط جهان ارسال می‌دارد و برای کسب سود بیشتر سرمایه خود را به کشورهای که دارای نیروی کار ارزان و وفور مواد خام هستند، انتقال می‌دهد.

در صفحه ۸

## مسئله هسته ای و مقاصد طرف های درگیر



بدنبال تصمیم اتحادیه اروپا در ارتباط با تحریم مالی - تجاری ایران، ممنوعیت فعالیت بانک ملی و مسدود شدن دارایی‌های رژیم در تعدادی از بانک های اروپایی که به تلافی عدم اطاعت سران جمهوری اسلامی از دنیای غرب گرفته شد، وزرای خارجه هشت گول صنعتی جهان موسوم به "G8" (آمریکا، بریتانیا، فرانسه، آلمان، ایتالیا، روسیه، ژاپن و کانادا) متفقا به رهبران ایران بخاطر ادامه غنی سازی اورانیوم هشدار دادند. این کشورها در گردهمایی روز جمعه هفتم تیرماه در کیوتو ژاپن، اکیدا خواستار توقف فعالیت‌های هسته‌ای ایران و نیز دست برداشتن کره شمالی از ساخت تسلیحات اتمی شدند.

در صفحه ۵

## دیکتاتوری مذهبی و آسیب های اجتماعی

جامعه ایران تحت حاکمیت دیکتاتوری مذهبی از گسترش بی سابقه و فاجعه‌آمیز آسیب های اجتماعی عمیقاً رنج می‌برد. واقعیت موجود جامعه کنونی ما گواه این حقیقت است که رژیم اسلامی با اعمال سیاست‌های مخرب نتولیرالیستی در چارچوب برنامه‌های پنج‌ساله توسعه که از سوی نهادهای مالی بین المللی وابسته به امپریالیسم همچون بانک جهانی و صندوق بین المللی پول دیکته می‌شود و نیز تحمیل سرگوبگرانه ارزش های واپسمانده مذهبی و فرهنگ قرون وسطایی خود بر جامعه بویژه بر گروه‌های سنی جوان، جامعه ایران را به ورطه ای فاجعه آمیز و خطرناک، که جامعه شناسان آن را وضعیت «آنومیک» می‌نامند، فروغلتانده است. در صفحه ۱۰



مبارزات فارک با بیش از چهل سال سابقه ریشه در علل عمیق اقتصادی و اجتماعی از جمله عقب ماندگی کشور، تمرکز املاک و زمین‌های کشاورزی در دست ملاکین و زمینداران، ستم بر دهقانان فقیر و کارگران و نتایج ناگوار سرمایه‌داری فاسد هم چون مواد مخدر، فقر و فلاکت دارد.

## فارک و چشم انداز مبارزه طبقاتی در کلمبیا

در صفحه ۹

## اطلاعیه پایانی کنگره سیزدهم کومه له

پرداخت و با اتکاء به بحث های تائکونوی، موانع عملی سر راه گسترش فعالیت های علنی و قانونی در کردستان را برشمرد و راه های غلبه بر این موانع را خاطر نشان کرد.

نیروی مسلح کومه له و جایگاه آن بعنوان بازوی

و جهت گیرهای سوسیالیستی جریان ما در همه این عرصه ها مورد تاکید مجدد قرار گرفتند.

در این گزارش همچنین مسائل متعدد سیاسی منطقه خاورمیانه با تکیه بیشتر بر روی اوضاع عراق بررسی شدند. از جمله عناوین اصلی این بحث بررسی موقعیت روندهای اصلی سیاسی و

اجتماعی این منطقه، جنبش اسلامی، ناسیونالیسم عرب، ناسیونالیسم کرد و حکومت محلی کردستان، سیاست و مصالح دولت آمریکا، افق مبارزه مدنی و رادیکال توده‌ای در عراق، بودند.

اوضاع سیاسی کردستان ایران و ویژگی های آن از جمله دیگر مباحث اصلی کنگره بودند. در این رابطه

روندهای اصلی موجود در جامعه کردستان از جمله وجود ستم ملی، جنبش رفع ستم ملی، ناسیونالیسم کرد و احزاب سیاسی آن، جریان لیبرال و اصلاح طلب، جریان اسلامی و سرانجام موقعیت اجتماعی جریان سوسیالیستی بررسی شدند. برنامه کومه له برای حاکمیت مردم در کردستان از جمله دیگر مباحث کنگره بود. این برنامه که در فاصله کنگره های ۱۲ و ۱۳ و بر اساس قرار کنگره ۱۲

کومه له تدوین و انتشار علنی یافته بود، در این کنگره بار دیگر طرح شد. ضرورت طرح این برنامه، پیشینه سیاسی و نظری و عملی آن، اتکاء آن بر حاکمیت و آرای مستقیم مردم، راه گشایی آن برای همکاری گرایش های

سیاسی و اجتماعی فعال در جامعه کردستان در دوره کنونی، جنبه های مختلف این بحث بودند که در کنگره مورد بررسی قرار گرفتند. این برنامه با اکثریت قریب به اتفاق آرا نمایندگان مورد تصویب قرار گرفت. قرار بر این شد که با توجه به مباحثات تائکونوی کمیته مرکزی کومه له تغییرات لازم را در متن این سند وارد و آنرا مجددا منتشر نماید.

کنگره در ادامه مباحث خود به فعالیت های سیاسی، اجتماعی و مبارزاتی علنی در جامعه کردستان

به اطلاع می رسانیم که کنگره سیزدهم کومه له در روزهای نیمه اول مرداد ماه ۱۳۸۷ برابر با نیمه دوم ماه ژوئیه ۲۰۰۸ میلادی همزمان در دو مکان، در خارج کشور و در کردستان عراق که از طریق شبکه ارتباط اینترنت به هم مربوط شده بودند، برگزار گردید و بعد از ۵ روز کار فشرده با موفقیت پایان یافت.

در این کنگره اعضای کمیته مرکزی کومه له، نمایندگان تشکیلات مخفی از شهرها و مناطق مختلف کردستان، نمایندگان اعضای بخش تشکیلات علنی و نیروی پیشمرگ، نمایندگان اعضای تشکیلات خارج از کشور حزب کمونیست ایران و دهها تن از اعضای حزب به عنوان ناظر شرکت داشتند.

کنگره با سرود انترناسیونال و یک دقیقه سکوت به یاد جانبختگان راه آزادی و سوسیالیسم کار خود را آغاز کرد. در ابتدا با ارائه گزارش پروسه انتخابات نمایندگان کنگره از جانب ناظر کل انتخابات، اعتبار نامه نمایندگان به تصویب رسید و سپس کنگره، با تصویب آیین نامه داخلی کنگره و انتخاب یک هیئت رئیسه دائم کار خود را پی گرفت.

نخستین دستور جلسه کنگره استماع گزارش سیاسی و تشکیلاتی کمیته مرکزی منتخب کنگره ۱۲ کومه له بود. پس از ارائه این گزارش و پاسخ به سوالات حاضرین از جانب کمیته مرکزی، کنگره وارد رسیدگی به دستورجلسات تعیین شده گردید. بحث پیرامون گزارش سیاسی کمیته مرکزی کومه له که سرفصل های مختلفی را در بر می گرفت، دستور جلسه بعدی کنگره بود. طی مباحثاتی که در این زمینه صورت گرفت، گزارش سیاسی تدقیق شد و به مثابه یک سند سیاسی که در عین حال محتوای کار کنگره را هم در خود منعکس کرده است، با اکثریت قریب به اتفاق آراء به تصویب نمایندگان رسید.

اوضاع سیاسی عمومی ایران موضوع دیگر بحث های کنگره بود. در این رابطه مسائلی چون پیشینه و علل تاریخی، سیاسی و ساختاری بحران اقتصادی و عوارض و پیامدهای آن، تورم و سیر سعودی قیمت ها و خطر فلاکت اقتصادی که بخش هایی از طبقه کارگر و اقشار کم درآمد جامعه را تهدید می کند و نیز ناامنی عمیق اجتماعی، موقعیت کنونی دولت احمدی نژاد، تداوم بحران بر سر برنامه های هسته ای رژیم و تلاش های آن برای بقاء و کسب یک موقعیت منطقه ای، مورد بحث و بررسی قرار گرفت.

در همین مبحث موقعیت کنونی جنبش کارگری و رشد نسبی آن در ماه های اخیر و موانع اصلی برسر راه همزمانی و سراسری شدن این مبارزات، موانع سر راه پیشروی جنبش زنان، ارزیابی واقع بینانه از ضرباتی که به جنبش دانشجویی وارد آمده بر متن پیشروی های این جنبش، مورد بررسی قرار گرفت



مسلح یک جریان کمونیستی، موانع اجتماعی و سیاسی موجود برسر راه گسترش مبارزه مسلحانه در کردستان، موقعیت نیروی پیشمرگ کومه له در کردستان عراق، از دیگر مباحث کنگره بود که نسبتا به تفصیل به آن پرداخته شد.

کنگره در بخش دیگری از مباحث خود حول گزارش سیاسی کمیته مرکزی به بررسی روابط خارجی کومه له پرداخت. در این زمینه سه عرصه کم و بیش متفاوت را از همدیگر تفکیک

## پیام کنگره سیزدهم کومه له به خانواده جانباختگان!



خانواده عزیز جانباختگان کومه له  
و حزب کمونیست ایران!

کنگره سیزدهم کومه له با یک دقیقه سکوت به یاد و خاطره عزیزانی آغاز بکار کرد که فرزندان شما و همسران ما، رزمندگان خستگی ناپذیر راه آزادی و رهایی انسان استعمارشده و ستمدیده بودند. آنها ستارگانی بودند که درخشیدند و راه رهایی بشریت را روشنی بخشیدند.

آنها یاران و همزمان عزیز ما بودند که در صف مبارزه کارگران و مردم آزادیخواه و در سنگرهای مبارزه جنبش انقلابی کردستان استوارانه در مقابل نیروهای سرکوبگر و اشغالگر جمهوری اسلامی ایستادند و جان باختند. این عزیزان نوری بودند که در ظلمت نظم وارونه جامعه بر علیه صاحبان زور و قدرت، درخشیدند و راه مبارزه را به سوی آینده ای بهتر و شایسته زندگی برای ستمدیدگان جامعه هموار کردند.

اگر امروز این عزیزان جانباخته، در کنگره ما و در جمع خانوادگی شما نیستند، اما یادشان و آرزوهای انسانیشان در قلب همه ما و در رزم و مبارزه روزانه طبقه کارگر و مردم ستمدیده زنده است. امروز ما با افتخار ادامه دهنده راه و اهداف این عزیزان هستیم و تا رسیدن به آرزوهایی که آنها برایش جان باختند از پای نمی نشینیم.

روحیه مقاوم و اراده قابل تحسین شما در برابر اندوه سنگین از دست دادن جگر گوشه‌هایتان، مشوق و نقطه امید ما بوده و توان، عزم و اراده ما را در مبارزه برای دنیایی آزاد و برابر و در مبارزه عادلانه ای که امر مشترک همگی ماست، بیشتر کرده است.

از نظر ما شرکت کنندگان در کنگره سیزدهم کومه له، والاترین ارج نهادن از همزمان جانباخته و تمام کسانی که برای واژگون کردن نظم کهن و ایجاد جهانی دیگر، جهان انسان آزاده و برابر، برابری واقعی انسان‌ها مبارزه کرده و جانباختند، ادامه راه این عزیزان تا تحقق آرمان‌های انسانی و والای آنهاست.

خانواده عزیزان جانباخته!

ما کنگره را در شرایطی برگزار کردیم که پژواک فریاد حق طلبانه فرزندان شما به وسعت همه کردستان و ایران در جنبش‌های پیشرو اجتماعی تداوم دارد. اعتصابات و تظاهرات کارگری، مبارزه زنان جسوری که نمی خواهند بیش از این تحقیر شوند و حرمت انسانی شان پایمال گردد، مقاومت جوانان آزادیخواهی که حکومت اسلامی زندگی امروز آنان را در قید و بند قوانین و سنت‌های ارتجاعی به بند کشیده است، گسترش و رشد مبارزات دانشجویان سوسیالیست، مبارزه مردم کردستان که با مقاومت و مبارزه بی وقفه خود، هرگز در برابر دشمن سرکوبگر سر تسلیم فرود نیاورده اند، اینها همگی جبهه‌های مختلف نبرد بی‌امانی هستند که امید به رهایی را در دل استعمار شدگان و محرومان جامعه زنده نگه داشته است و بدون شک بدون فداکاری و جانباختن فرزندان عزیز شما، نمی توانستیم قدم در چنین مرحله ای بگذاریم.

ما ضمن ابراز مجدد احترام خود برای شما، یکبار دیگر با رفقای جانباخته و مردم محروم و زحمتکش کردستان پیمان می بندیم که پرچم سرخ کومه له را تا روز پیروزی نهایی و دست یابی به دنیای انسانهای آزاد و مرفه و برابر، همچنان برافراشته نگاه بداریم.

### درود بر همه جانباختگان راه سوسیالیسم و برابری انسانها!

کنگره سیزدهم کومه له

سازمان کردستان حزب کمونیست ایران

ژوئیه ۲۰۰۸

مرداد ۱۳۸۷

کمیته مرکزی کومه له

سازمان کردستان حزب کمونیست ایران

۱۱ مرداد ماه ۱۳۸۷

۱ اوت ۲۰۰۸

و اصول ناظر بر هر کدام را خاطر نشان کرد. این عرصه‌ها عبارت بودند از: روابط با دولت‌ها، روابط با احزاب سیاسی اپوزیسیون در کردستان ایران و روابط با احزاب سیاسی در دیگر بخش‌های کردستان.

بخش دیگری از مباحث کنگره به بررسی موضوع "اعلام فراکسیون فعالیت تحت نام کومه له" اختصاص یافت. در این زمینه اختلاف نظرها در یک فضای سیاسی و رفیقانه مطرح گردیدند. نظر به این که چه قبل از تشکیل حزب کمونیست ایران و چه بعد از تشکیل آن و تاکنون نیز، فعالیت تحت نام کومه له در کردستان یک واقعیت عینی و انکار ناپذیر بوده است، کنگره ۱۳ کومه له انتخاب عنوان "فعالیت تحت نام کومه له" برای اعلام موجودیت یک اقلیت سازمانی را فاقد موضوعیت ارزیابی کرد. کنگره همچنین در جهت گزیرهای عمومی خود در این رابطه ضمن تاکید بر حق اقلیت تشکیلاتی در انتشار نظرات و دیدگاه‌های خود از طریق رسانه‌های حزبی، تشکیل این فراکسیون را غیر ضروری تشخیص داد. از آنجا که مطابق اساسنامه حزب کمونیست ایران، این کمیته مرکزی حزب است که در رابطه با به رسمیت شناختن یا عدم به رسمیت شناختن این فراکسیون تصمیم می‌گیرد، کنگره از کمیته مرکزی حزب درخواست نمود که در اولین پلنوم خود این موضوع را مورد بررسی قرار داده و موضع رسمی تشکیلات را در سطح علنی اعلام نماید.

حلقه مشترکی که کلیه مباحث کنگره سیزدهم کومه له را به همدیگر وصل می‌کرد تاکید بر مبانی استراتژی سوسیالیستی در مجموع تحلیل‌ها و نتیجه‌گیری‌های عملی از آنها بود، بدین معنا که جریان ما منافعی جدا از منافع طبقه کارگر و مردم زحمتکش ندارد. در این دیدگاه طبقه کارگر می‌تواند و شایسته آن است که قدرت سیاسی را از طریق پیگیری این استراتژی سیاسی به دست بگیرد و کلیه موانع، عینی و عملی حرکت بسوی برپا داشتن یک جامعه سوسیالیستی را برطرف نماید.

کنگره همچنین پیام‌هایی را خطاب به خانواده‌های جانباختگان کومه له و حزب کمونیست ایران و نیز به زندانیان سیاسی صادر نمود.

کنگره در مبحث مربوط به انتخابات کمیته مرکزی، ۱۹ نفر از اعضای خود را بعنوان کمیته مرکزی آینده کومه له انتخاب نمود. اسامی انتخاب شدگان عبارتند از:

هلمت احمدیان، مظفر پاکسرشت، رئوف پرستار، عیسی جمشیدی، بارزان حسن پور، حسن رحمان پناه، عثمان رضایی، رشید رزاقی، حسن شمس، فرهاد شعبانی، احمد صالحی، ابراهیم عزیزاده، احمد عزیزپور، محمد کمالی، اختر کمانگر، صلاح مازوجی، سروه ناصری، رحمان نجات و ادیب وطن دوست.

کنگره سیزدهم کومه له در یک جلسه اختتامیه رسمی با حضور جمعی از پیشمرگان کومه له و خانواده‌هایشان پس از ۵ روز فعالیت فشرده کار خود را پایان داد. شرکت کنندگان در کنگره از طریق هیئت رئیسه قردادانی خود را از کلیه رفقای که چه در خارج کشور و چه در کردستان دست اندرکار تأمین امنیت و تدارکات زیستی و فنی کنگره بودند اعلام نمودند.

مباحث این کنگره در اشکال مختلف نوشتاری، صوتی و تصویری در آینده نزدیک و در جزئیات به اطلاع افکار عمومی خواهد رسید.





## پیام کنگره سیزدهم کومه له به زندانیان سیاسی و خانواده هایشان!

ما کنگره را به یاد همه هم‌زمان و پیش قراولان جنبش سوسیالیستی ایران برگزار کردیم که در زندان‌های رژیم جانباختند و اکنون در میان ما نیستند. جای همه عزیزان جانباخته و جای شما که اکنون در بند رژیم اسلامی هستید، در جوار ما در این کنگره خالی بود.

ما این خلا را با تجدید عهد و با مصمم بودن هر بیشتر در راه مبارزه برای دستیابی همه ستم‌دیدگان جامعه به حقوق حقه خود، پاسخ دادیم.

معنای عملی این تجدید عهد برای ما پافشاری و مبارزه پیگیرانه برای آزادی فوری و بی قید و شرط همه زندانیان سیاسی و عقیدتی در ایران و مبارزه روزانه و پیگیر بر علیه فشار و سرکوبی که نیروهای سرکوب رژیم برای تحمیل خفقان و به عقب راندن مبارزان و پیشروان جنبش‌های اجتماعی در ایران بکار گرفته می‌گیرند، می‌باشد.

ما همبستگی عمیق خود را با زندانیان سیاسی و خانواده هایشان، اعلام می‌داریم و رزم بی‌امانمان را بر علیه نظامی که برای بقایش، به بند کشیدن مبارزان، اعمال زور، تحمیق و کشتار متوسل می‌شود، ادامه می‌دهیم. تجاور روزانه قداره‌بندان این رژیم به حق طبیعی انسانها در زیستن و اندیشیدن آزادانه را محکوم می‌کنیم و لغو هرگونه شکنجه و اعدام و تحت پیگرد قرار دادن افراد به هر بهانه‌ای و بویژه به خاطر عقاید سیاسی‌شان خواست فوری ماست.

### کنگره سیزدهم کومه له

سازمان کردستان حزب کمونیست ایران

ژوئیه ۲۰۰۸ مرداد ۱۳۸۷

دوردهای گرم ما را بپذیرید!

کنگره سیزدهم کومه له، در شرایطی برگزار شد که سیاه‌چال‌های رژیم جمهوری اسلامی بخشی از انسان‌های مبارز و معترض را در خود محبوس دارد. فعالان کارگری، زنان، دانشجویان، معلمان، جوانان و مردم تحت ستم که برای آزادی و برابری مبارزه می‌کنند و صدها زندانی سیاسی گمنامی که تحت شدیدترین شرایط غیر انسانی، در زیر شکنجه قرار دارند و تهدید به اعدام می‌شوند.

کنگره در شرایطی برگزار شد که رژیم دور جدیدی از فشار و سرکوب را بر جامعه آغاز کرده و با حمله به حقوق و آزادی‌های سیاسی و اجتماعی زندان‌هایش را از کارگران حق طلب، دانشجویان مبارز و سوسیالیست و فعالین مدنی و اجتماعی انباشته است. شلاق زدن در ملا عام، دستگیری جوانان با بهانه‌های واهی، صدور احکام جنایتکارانه سنگسار، مانورهای سپاه و بسیج در خیابان‌ها و مکان‌های عمومی تنها بخش‌هایی از این وحشیگری و یک جنگ روانی هستند که رژیم اسلامی بر علیه اکثریت مردم ایران به راه انداخته است. کنگره در شرایطی برگزار شد که سالگرد قتل عام فجیع زندانیان سیاسی - عقیدتی در تابستان سال‌های ۶۰ و ۶۷ که در آن هزاران زن و مرد زندانی که برای دفاع از آزادی به جمهوری اسلامی نه گفتند و در سیاه‌چال‌های رژیم تیرباران و به دار آویخته شدند، به پرچم مبارزاتی جمع هر چه وسیعتری از انسان‌های مبارز و آزادیخواه در سراسر جهان تبدیل شده است و خواست محاکمه سران جمهوری اسلامی بخاطر این نسل‌کشی درندانه‌اش، هر روز بیشتر به خواستی جدی برای وجدان آگاه بشری تبدیل می‌شود.

## اطلاعیه کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران در ارتباط با اعدام ۳۰ تن در تهران



تنها بخش‌هایی از یک جنگ روانی و عملی هستند که رژیم اسلامی بر علیه اکثریت مردم ایران به راه انداخته است.

این اقدامات رژیم در عین حال در شرایطی صورت می‌گیرد که رژیم به توافق با آمریکا و دولت‌های غربی در زمینه برنامه‌های اتمی خود نزدیک می‌شود و می‌خواهد با نشان دادن زور بازو به مردم ایران همچنان خود را توانا و قدر قدرت نشان دهد.

حزب کمونیست ایران اقدام ضد انسانی اعدام ۳۰ نفر از محکومین در بیدادگاه‌های رژیم به هر بهانه و توجیهی که صورت گرفته باشد را محکوم می‌کند. بدون شک مردم ایران در مقابل این گونه نمایشات زبونانه قدرت مرعوب نخواهند شد و مسیر خود را در مبارزه بر علیه این رژیم در همه عرصه‌های زندگی اجتماعی و سیاسی ادامه خواهد داد.

کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران

۷/۵/۱۳۸۷

طبق اخبار رسیده از تهران، دستگاه سرکوب و کشتار رژیم جمهوری اسلامی، امروز یکشنبه ۶ مرداد ماه ۳۰ تن را که از آنان به عنوان اراذل، اوباش و قاچاقچیان مواد مخدر نام برده شده است، اعدام کرد.

“سعید مرتضوی”، دادستان تهران در گفتگو با رسانه‌های خبری دولتی اعدام ۳۰ نفر را در صبح امروز یکشنبه در تهران تأیید کرد.

اعدام دستجمعی این شمار از محکومین به اعدام در شرایط کنونی نه یک اقدام قضایی، بلکه یک حرکت سیاسی است. رژیم جمهوری اسلامی طی یک سال گذشته اقدامات ضد انسانی متعددی به منظور ایجاد فضای رعب و وحشت در جامعه انجام داده است.

صدای کارگران معترض به شرایط دشوار کار و زندگیشان بلند شده است، زنان ستم‌دیده در صحنه‌های مختلف مبارزه اجتماعی از هر سو رژیم و قوانین ارتجاعی را به مصاف طلبیده‌اند، گرانی و تورم اقشار کم درآمد جامعه را به ستوه آورده و صدای اعتراضشان بلند تر شده است، اقدام به اعدام هم‌زمان ۳۰ نفر نشان از این دارد که رژیم عرصه را از هر سو بر خود تنگ می‌بیند و می‌خواهد ظرفیت‌های خود را در کشتن انسان‌ها در انظار عمومی به نمایش بگذارد.

شلاق زدن در ملا عام، دستگیری جوانان با بهانه‌های واهی، صدور احکام جنایتکارانه سنگسار، مانورهای سپاه و بسیج در خیابان‌ها و مکان‌های عمومی

فرشید شکری

## مسئله هسته ای و مقاصد طرف های درگیر



مدتی است بحران هسته ای ایران مجددا در کانون توجهات جهانی جای گرفته و هر روزه اخبار مرتبط با این قضیه بطور چشمگیری در سطح دنیا منتشر می گردد که قطعا در هفته ها و ماه های پیش رو باز هم نتایج گفتگوهای ایران با قدرت های بین المللی روی این مسئله در صدر مهمترین رویدادها قرار خواهند گرفت. از همین رو، و با توجه به حساسیت موضوع ضمن مرور گزیده ای از اخبار مربوطه، حتی المقدور به اهداف هر یک از طرف های درگیر نیز اشارتی می کنیم.

یک ماه پیش، بدنبال تصمیم اتحادیه اروپا در ارتباط با تحریم مالی - تجاری ایران، ممنوعیت فعالیت بانک ملی و مسدود شدن دارایی های رژیم در تعدادی از بانک های اروپایی که به تلافی عدم اطاعت سران جمهوری اسلامی از دنیای غرب گرفته شد، وزرای خارجه هشت غول صنعتی جهان موسوم به "G۸" (آمریکا، بریتانیا، فرانسه، آلمان، ایتالیا، روسیه، ژاپن و کانادا) متفقا به رهبران ایران بخاطر ادامه غنی سازی اورانیوم هشدار دادند. این کشورها در گردهمایی روز جمعه هفتم تیرماه در کیوتو ژاپن، اکیدا خواستار توقف فعالیت های هسته ای ایران و نیز دست برداشتن کره شمالی از ساخت تسلیحات اتمی شدند. (شایان ذکر است بعد از اینکه کره شمالی گزارشی تفصیلی در مورد برنامه های اتمی خود به دولت چین ارائه داد، جورج بوش، رئیس جمهور آمریکا، تحریم های تجاری علیه کره شمالی را لغو کرد و قول داد نام این کشور را از فهرست حامیان تروریسم حذف کند.)

در آن موقع وزیر امور خارجه ژاپن آقای ماساهییکو کومورا در جمع همتایان خود اظهار داشت: «ما از ایران می خواهیم با جامعه جهانی همکاری نماید». وی در بخش دیگری از سخنانش خطاب به حاضرین گفت: «من سیاست گفتگو و فشار را در برخورد با جمهوری اسلامی توصیه می کنم». سایرین هم ضمن اعلام همسویی با گفته های آقای کومورا تحریم های اقتصادی علیه ایران را کوششی بجا بمنظور سرعت آوردن جمهوری اسلامی دانستند و همصدا با هم بر تداوم این تحریم ها تأکید کردند. بنابر گزارش سرویس های خبری داخل، هاشمی رفسنجانی، رئیس مجلس خبرگان و مجلس تشخیص مصلحت نظام در واکنش به حرف های رد و بدل شده در نشست کیوتو و اقدامات قبلی اروپاییان به شدت موضع گرفت. رفسنجانی در خطبه های نماز جمعه تهران خطاب به ایالات متحده و اروپا گفت: «شماها حقیر تر از آن هستید که بخواهید ایران را تشویق یا تنبیه کنید». نامبرده افزود: «ما به کرات گفته ایم، این نوع زبان و ادبیات به ضرر شماست زیرا با کشوری با سابقه روبرو می باشید». رئیس مجلس خبرگان مذاکره و شنیدن استدلال را یگانه راه حل مسائل دانست و

تصمیم تازه خود را تنها یک «تغییر تاکتیکی» عنوان نمودند که هدف آن رساندن این پیام به تهران و دیگران است که واشنگتن در تلاش برای یافتن راه حلی دیپلماتیک برای بن بست فعلی است. بیست و پنجم ژوئیه (چهارم مرداد) هم غلامرضا آقازاده رئیس سازمان انرژی اتمی جمهوری اسلامی، پس از دیدار با محمد برادعی، دبیر کل آژانس بین المللی انرژی اتمی در وین، به خبرنگاران گفت: «امیدواریم دور تازه مذاکرات درباره پرونده هسته

ای جمهوری اسلامی به زودی برگزار شود». رئیس سازمان انرژی اتمی جمهوری اسلامی، همچنین گفت: «نمایندگان جمهوری اسلامی و گروه ۵+۱ به این نتیجه رسیده اند که مذاکرات وارد مرحله ای جدی شده که طرفین باید به جمع بندی برسند». روز سی و یکم ژوئیه (دهم مرداد) منوچهر متکی، وزیر خارجه ایران، تعیین ضرب الاجل قدرت ها برای پاسخ این کشور به بسته پیشنهادی را کاملا مردود دانست. شایان ذکر است که پس از اجلاس ژنو، وزیر خارجه آمریکا در یک مصاحبه مطبوعاتی اظهار داشت: «ایران تنها دو هفته فرصت دارد تا این بسته پیشنهادی گروه ۵+۱ را بپذیرد در غیراینصورت با تنبیه های شدیدتر بین المللی مواجه خواهد شد». مضاف بر پاسخ قبلی وزیر امور خارجه، در زمان مقرر (ششم ژوئیه برابر با شانزدهم مرداد) مقامات ایران رسما به بسته پیشنهادی پاسخ دادند. گزارش ها حاکی از آن می باشد که جمهوری اسلامی از دادن پاسخ صریح امتناع کرده و ارائه پاسخ شفاف در این مورد را به روشن شدن برخی مسائل مشروط کرده است. در رابطه با عکس العمل برخی از اعضای گروه ۵+۱ خبرها از این قرار است: رومن نادال، سخنگوی وزارت امور خارجه فرانسه اینگونه اظهار نظر کرد: «متأسفانه، جمهوری اسلامی بار دیگر از پاسخ به این پرسش مهم که آیا آماده است روند غنی سازی اورانیوم را در ازای تعلیق تشدید مجازات و تحریم های بین المللی تعلیق کند یا نه، طفره رفته است». و دانا پرینو، سخنگوی وزارت امور خارجه ایالات متحده گفت: «آمریکا و متحدانش در واکنش به پاسخ نامعقول و ناشفاف حکومت ایران به بسته پیشنهادی جامعه جهانی، ناچارند اقدامات تنبیهی بیشتری را علیه ایران در پیش گیرند».

بسته پیشنهادی مذکور را چندی قبل خاویر سولانا، مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا به ایران تحویل داد. این بسته شامل مشوق های اقتصادی، امنیتی و سیاسی است که به امید راغب گشتن ایران جهت متوقف ساختن غنی سازی اورانیوم تهیه شده است (تعلیق در برابر تعلیق). واضح و مبرهن است که مناقشه بر سر مسئله هسته ای ایران در این دوره وارد فاز تازه ای شده است. به دیگر سخن برغم وجود اختلاف نظر در

کنش های آمریکا و اتحادیه اروپا در قبال برنامه های هسته ای ایران به زبان منطقه ارزیابی کرد. گفتنی است در مغایرت با سخنان رفسنجانی، منوچهر متکی، وزیر امور خارجه حکومت اسلامی که برای دیدار با مقامات بلند پایه پاکستان راهی این کشور شده بود، توأم با احترام آمیز خواندن برخورد گروه «پنج + یک»، از بررسی و پاسخ به بسته پیشنهادی پنج کشور عضو شورای امنیت سازمان ملل بعلاوه آلمان خبر داد. رئیس سازمان انرژی اتمی، غلامرضا آقازاده هم از واریسی بسته پیشنهادی سخن گفت. بعدها در روز پانزدهم ژوئیه جزئیات پاسخ وزیر امور خارجه ایران در یک نشریه فرانسوی انتشار یافت. متکی نوشته بود: «ما بنا نداریم تغییری در مسیر غنی سازی ایجاد کنیم و ایران برای کنار نهادن برنامه اتمی اش ادا وارد مذاکره نمی شود که در آن از بالا به این کشور نگاه می شود. ایران خواستار مذاکره برای توافقات جامع تر صلح و امنیت است». در همان مقطع لاریجانی، ریاست جدید مجلس قانونگذاری ایران از بی خاصیت بودن این بسته حرف زده بود. لاریجانی با آماده خواندن ایران در مقابله با هر تهدیدی، وعده و وعیدهای درون بسته گروه پنج بعلاوه یک را سراب توصیف کرده بود. لاریجانی با نقل صحبت های هشدار دهنده برادعی به قدرت های جهان مبنی بر «پرهیز از تحریک جمهوری اسلامی»، عنوان کرده بود: «مواظب عواقب تصمیمات عجولانه خود باشید چون در آن صورت راهی جهت بازگشت شما به تعامل با ما باقی نخواهد ماند». مفسران سیاسی معتقدند گفته های لاریجانی حاوی شفاف ترین مواضع تهدید آمیز رژیم روزه غرب در مورد برنامه اتمی است.

پس از پاسخ وزیر امور خارجه، در تاریخ بیست و نهم تیرماه (نوزدهم ژوئیه) سعید جلیلی دبیر شورای عالی امنیت ملی با خاویر سولانا مسئول سیاست خارجی اروپا در ژنو دیدار کرد. برخلاف گذشته نماینده ایالات متحده هم در این مذاکرات حضور داشت. روزنامه های داخلی آمریکا مانند واشنگتن پست آن تصمیم دولت بوش را «عزیمتی چشمگیر از سیاستی قدیمی» توصیف کردند و خبرگزاری آسوشیتدپرس نیز در تحلیلی آن را «گسستی از سیاست گذشته» خواند. با این اوصاف مقام های آمریکایی در واکنش به آن تحلیل ها

میان رهبران رژیم در کاربست تاکتیک‌های مؤثر برای رفع بحران، همگرایی و نزدیکی بیشتری در بین قدرت‌های درگیر با ایران در راستای مجبور کردن این کشور به تعلیق کامل فعالیت‌های هسته‌ای احساس می‌شود. تصمیمات گرفته شده توسط اتحادیه اروپا از یک طرف و گروه پنج بعلاوه یک از سوی دیگر گویای ثمر بخش بودن رایزنی‌های ممالک عضو در این دو نهاد حول تحمیل عقب نشینی یکباره به تهران است که بحث‌ها و مواضع همسوی یک ماه پیش هشت کشور برتر جهان (G۸) در اجلاس کیوتو بعلاوه برخورد همگون آمریکا و فرانسه به پاسخ ایران در مورد بسته پیشنهادی این برداشت را بدرجات زیادی تأیید می‌کند. گرچه همگرایی قطب‌های امپریالیستی محصول در نظر گرفتن مناسبات اقتصادی - سیاسی گسترده فی المابین است، معهذ این توافقات معنای دست کشیدن برخی از کشورهای عضو شورای امنیت، اتحادیه اروپا و جی هشت از منافع اقتصادیشان با ایران ندارد. بی شک هر کدام از این کشورها در پی درآمد حاصل از داد و ستد تجاری با سرزمین ثروتمندی بمانند ایران بوده، و خواهان آن نیستند تا یکجنین بازار پرمفعتی را از کف دهند. در نتیجه با وجود اعمال تحریم‌های مضاعف و تمامی این شاخ و شانه کشیدن‌ها، بوقت خود نرمش هم نشان خواهند داد.

روسیه و چین درحقیقت چون با اهداف استراتژیک ایالات متحده در منطقه ناسازگاری دارند تا جایی پیش می‌روند تا دوستی آنها با ایران لطمه نبیند (این دو کشور درحال حاضر هم مخالف با تشدید تحریم‌های تجاری علیه ایران هستند) و دول اروپایی هم که در طرح‌های آمریکا درخاورمیانه ذینفع نمی‌باشند همین گونه می‌اندیشند و ابتدا نسبت به این لطمه‌پذیری بی تفاوت نیستند. (حتی کسانی چون نیکولا سارکوزی، رییس جمهور راستگرا، ضد کارگر، نئونکان، پرو آمریکایی و دوست صهیونیست‌ها، هر روز به پارلمان اسرائیل بروند و در آنجا بگویند: ایران اتمی قابل تحمل نیست، اسرائیل تنها نیست و هر کسی بخواهد اسرائیل را تهدید کند ما و اتحادیه اروپا در برابرش می‌ایستیم؛ سرمایه‌داران فرانسه گوششان بدهکار نیست و چنانچه زیاده روی کنند لب‌هایش را خواهند دوخت). با این تفاسیر تفاهات جاری و اقدامات هماهنگ این قدرت‌ها در تحمیل خواست به تعلیق درآوردن غنی سازی اورانیوم به جمهوری اسلامی نمی‌تواند بر این منوال باقی بماند و در روندهای آتی امکان هر جابجایی و تغییر موضعی هست.

در هر حال مهم اینست بدانیم اروپائیان دنبال چه مطامعی حول بحران اتمی اند؟ روسیه، چین و ژاپن به چه مقاصدی فکر می‌کنند؟ از این مهمتر دو طرف اصلی درگیری یعنی رژیم اسلامی - سرمایه‌داری ایران و امپریالیسم آمریکا در جستجوی چه اهدافی اند؟

وقتی روابط دیپلماتیک جمهوری اسلامی (بعد از قیام ۵۷) با ایالات متحده به تیرگی گرائید، اروپائی‌ها فرصت را غنیمت شمردند و با همه توان سعی کردند به حاکمین جدید نزدیکتر شوند

و دیدیم چگونه طی این سه دهه دول امپریالیستی اروپای غربی تعاملات دوستانه و پرمفعتی با رژیم جهل و سرمایه ایران برقرار کردند. هرچند پاره‌ای اوقات حاکمین ایران بخاطر نقض حقوق بشر، حمایت از گروه‌های شبه



محصّل موفقیت و پیروزی رایس و استادانش در مذاکره با اروپائیان نیست. در اساس، هر یک از آنان با این سمت گیری در صدد پناه بردن بی قید و شرط رهبران ایران به خویش و از این راه کاستن از احتمال موفقیت آمریکا (رقیبی که درصدد است تا بر همه کشورهای نفت خیز منطقه مسلط گردد) در مهار و تسلیم تهران بِنفع خود، می‌باشند. بنابراین سیاست ظاهراً هماهنگ قدرت‌های اروپایی در ممانعت از مجهز شدن ایران به تکنولوژی اتمی تابع و جزئی از تاکتیک‌های رقابتی آنها با همدیگر و صد البته سیاستی موزیانه در تأمین اغراض مجزای سرمایه‌داری کشورهایشان است.

پیوستن مسکو و پکن به طرف گردن کلفت ایران (ایالات متحده) جای چندان تأملی ندارد! این دول سرمایه‌داری قدرتمند و مدعی که اکنون نیز از اعلام مخالفت آشکار با سیاست‌های بین‌المللی واشنگتن واهمه‌ای ندارند و بکرات قطعنامه‌های پیشنهادی غربی‌ها و در رأس آنان آمریکا را بر ضد این و آن وتو کرده اند، صرفاً از سر مصلحت به همکاری‌شان محلق گشته‌اند. واضح است بورژوازی چین و روسیه چنین حکمی داده‌اند و نمایندگانشان هم چاره‌ای جز اطاعت از فرامین صادره ندارند. اینبار همگرایی این دو قطب بزرگ اقتصادی و نظامی با قطب‌های رقیب در بازداشتن ایران از فعالیت‌های هسته‌ای حاکی از حساسگری ایشان در حفظ روابط تنگاتنگ بازرگانی با بورژوازی اروپا و آمریکاست. با این وصف باید خاطر نشان کرد نه روسیه تمایلی به از دست دادن قرارداد پرسود راه اندازی و تکمیل نیروگاه‌های اتمی ایران دارد و نه چین از درآمدهای سرشار تجاری خود با ایران چشم پوشی خواهد کرد. تازه قطع کامل مناسبات غربی‌ها با تهران بسود چین و روسیه خاتمه می‌یابد. بزبانی ساده آنها کاری می‌کنند که نه سیخ بسوزد نه کباب.

در این بخش روی منازعات طرف‌های اصلی دعوا (ایران و آمریکا) مکث می‌کنیم. قطعاً یافتن پاسخ‌های روشن در مورد این قضیه مستلزم دقت و تمرکز همه جانبه در تاکتیک‌های طرفین متخاصم است.

از منظر رهبران جمهوری اسلامی دستیابی به انرژی هسته‌ای یا فن‌آوری ساخت سلاح‌های کشتار جمعی مساوی است با سنگین شدن وزن ایران در معادلات منطقه‌ای و بین‌المللی، برسیمت شناخته شدن این کشور بعنوان قدرت بلامنازع منطقه (با توجه به فاکتور نفوذ آنان در لبنان، فلسطین، افغانستان، سوریه و عراق)، گرفتن تضمین بقا و ماندگاری و سرانجام چاره‌لایبی آمریکا به پذیرش قواعد بازی حکومت اسلامی برای رسیدن به مقاصد استراتژیکش (پیشروی پروژه خاورمیانه بزرگ).

یقیناً مادیت یافتن این مقصود (اتمی شدن) پیروزی بزرگی برای حاکمین ایران در کارزار کنونی است و احتمالاً تا سال‌های متمادی نیز خیالشان از بابت وقوع جنگ آسوده می‌شود. ناگفته نماند

این برداشت بمعنای وحشت تام و تمام



نظامی شدند، اما برخلاف این فیگور، آرزوی وقوع جنگ را دارند، مشغول لحظه شماریند و در حال سازمان دادن خود جهت پیش آمدن چنین شرایطی اند. (یقیناً این احزاب ناسیونالیستی در دیدار با فرستادگان آمریکا در سلیمانیه بمانند احزاب راست ایرانی خواهان حمله نظامی به ایران شده اند.)

دم و دستگاه سرمایه داری حاکم هم به بهانه تحریم و فشارهای خارجی در تدارک راه اندازی سرکوب و قهرعریان ترعلیه اعتراضات مردمی و جنبش های رادیکال (یگانه قدرت ها و نیروهایی که قادرند پایه های نظامشان را از بیخ و بن برکنند) جامعه است. چهره های شاخص جناح های درون حکومتی نیز در جستجوی حل مسئله و رسیدن به سازشی آبرومندانه با ایالات متحده و اروپا می باشند. این واقعیت در میان اظهارات ضد و نقیض ایشان حول بحران اتمی کاملاً موج می زند.

با مد نظر گرفتن این اوضاع بایستی فعالین رادیکال جنبش های اعتراضی و کمونیست ها یکبار دیگر با درایت تمام وارد صحنه شوند. می باید فریاد اعتراض خود را علیه طرف های منازعه در جهان بلند کرد. باید توده های تحت ستم را بر ضد ماجراجویی های رژیم و تهدیدات خارجی به صف کرد. تا به امروز دود تحریم های اقتصادی در همین حد به چشم کارگران و زحمتکشان ایران رفته و چنانچه پرونده هسته ای ایران مجدداً به شورای امنیت ارجاع داده شود و مجازات های اقتصادی بیشتری علیه ایران صادر گردد وضع از این بدتر خواهد شد. اگر جنگی هم در آینده صورت بگیرد، دودش به چشم مردم می رود و ضرر آن تنها متوجه مبارزات آزادیخواهانه است و نفعش را حکومت مرتجع و جنایتکار اسلامی خواهد برد.

سازمان دادن دوباره صدای سوم و پیکار بر ضد منفعت طلبی قطب های درگیر در بحران هسته ای، و فرصت طلبی بورژوا- لیبرال ها و ناسیونالیست های ملل تحت ستم، بخشی مهمی از مبارزات بی وقفه ما کارگران، زنان، جوانان و کمونیست ها در این دوره است.

ژوئیه ۲۰۰۸



### صدای مزب کمونیست ایران

شب ها: ۲۰ تا ۲۱

صبح جمعه ها: ۸ تا ۹

۷۵ متر برابر ۳۸۸۰ کیلوهرتز

۶۵ متر برابر ۴۳۸۰ کیلوهرتز

۴۹ متر برابر ۶۴۳۰ کیلوهرتز

### صدای انقلاب ایران (رادیه کومه له)

ظهرها: ۱۳ تا ۱۴ عصرها: ۱۹ تا ۲۰

شب ها: ۲۲ تا ۲۳

۷۵ متر برابر ۳۸۸۰ کیلوهرتز

۶۵ متر برابر ۴۳۸۰ کیلوهرتز

۴۹ متر برابر ۶۴۳۰ کیلوهرتز

می زنند، بلکه از این طریق اقتصاد کشورشان را نیز از رکود بیرون می کشند. ژنرال های پنتاگون هم با تکیه بر توان بی حد و حصر نظامی خود باور زیادی به اخذ آن نتایج مطلوب در کمتر از زمان محاسبه شده داشتند. ولی با سپری شدن روزها، هفته ها، ماه ها و سال ها نه تنها مرادشان برآورده نشد، بلکه این قدرت نمایی به بلای جان طبقه حاکم (بگذریم از استفاده های ناچیزی از قبیل زهر چشم گرفتن از جهانیان و تثبیت موقعیت ماندگاری در منطقه) مبدل گردید و اکثر پیش بینی هایشان غلط از آب درآمد.

این شکست خود عاملی گشت تا صدای بخشی از بورژوازی از طریق نمایندگانشان درحزب دموکرات و حزب جمهوریخواه بلند شود. از آن مقطع تا کنون دولت محافظه کار بوش در تلاش است تا بهر وسیله ممکن برمصائب و گرفتاری های این دوره فائق آید. بدین نحو دستگاه فکری و مشاوران دولت ایالات متحده به جد مشغول بازنگری و یافتن راه حلی کارساز شدند. دوباره مطالعه ای وسیع بر روی چگونگی برون رفت پروژه خاورمیانه بزرگ از بن بست جاری شروع گردید تا سرانجام متفکرین کهنه کار و خط دهندگان سیاست خارجی بنا به تجربه آغاز جنگ (کمک های رژیم) متفق القول، ایران را در بین بازیگران منطقه ای پروژه تنها کشوری دانستند که بشرط از سرگیری همکاریش خواه با زور و خواه عادی ساختن روابط سیاسی با آن، می تواند یاری رسان باشد و نیاز حیاتی آنان را برآورد کند.

پافشاری رژیم مستبد ایران بر غنی سازی اورانیوم بعلاوه گزافه گویی های احمدی نژاد این مجال را به لیدرهای ایالات متحده بخشیده تا خطر اتمی شدن جمهوری اسلامی را مستمسکی بمنظور تحقق امر خود قرار دهند. آنچه به آن اشاره شد، مختصری از بیان واقعی کشمکش بر سر مسئله اتمی، چرایی سمت گیری ها، تحریم ها و پیشنهادات تازه اتحادیه اروپا، گروه G8 و گروه ۵+۱ و بطور کنکرت یادآوری مطامع طرف های درگیر در قضیه بود.

### سخن آخر

در چند ماه اخیر با اوجگیری تنش ها و مناقشات جمهوری اسلامی با دنیای غرب علی الخصوص ایالات متحده، و زنده شدن فرضیات و احتمالات گذشته (افزایش تحریم ها، برخورد نظامی محدود یا جنگ تمام عیار) مجدداً شاهد تحولاتی در میان رژیم و اپوزیسیون راستش هستیم. از سلطنت طلبان گرفته تا تعدادی از جریانات بورژوا - لیبرال سراسری هر کدام بنوعی (بدور از انظار عموم و بصورت مخفیانه) باز دنبال اقدامات همیشگی خود همانا تحریک کشورهای اروپای غربی و آمریکا در بکارگیری تحریم های شدیدتر و عملی شدن گزینه جنگ، هستند. احزاب بورژوا- ناسیونالیست و پرو آمریکایی کرد از جمله حزب دموکرات و سازمان زحمتکشان از نو به سبب حاد شدن اختلافات میان این دو قطب ارتجاعی و امپریالیستی، امیدهای سابق در دل هایشان تابیدن گرفته و با آنکه در میزگرد رادیو صدای آمریکا تلویحاً منکر خواست حمله

جمهوری اسلامی از حمله احتمالی آمریکا به ایران نیست، زیرا برای رژیم تقریباً مسجل گشته که بنا به فاکتور مشکل اقتصادی این کشور و گرفتاری های بی شمارش در عراق فعلاً گزینه نظامی در دستور رهبران ایالات متحده (هم جمهوریخواهان و هم دموکرات ها) نمی باشد. تهدیدات اسرائیل هم (تمرین چند وقت پیش این کشور روی زدن مراکز نظامی و نیروگاههای هسته ای ایران) چه بعنوان مخالف دو آتشه جمهوری اسلامی در منطقه و چه بمتاباه نزدیکترین متحد ایالات متحده، مایه نگرانی های وافر برای حاکمیت نیست. به دیگر کلام رژیم اسلامی با اطمینان از ظرفیت مانور دادن خود درمنطقه (داشتن اتوریتته در میان دولت مردان یا جریانات مطرح ممالک همجوار، ظرفیت گسترانیدن آتش جنگ و برهم زدن موازنه ایجاد شده در خاورمیانه همچون فاکتوری بازدارنده) نیک می داند بدین سادگی ها جنگی در نخواهد گرفت و اگر اسرائیل و ایالات متحده بخواهند به راهکار نظامی متوسل شوند بایستی شرایط آن از هر حیثی مهیا گردد. حتی پیش از آزمایش های موشکی رژیم که باعث جنجال زیادی هم شد، این خاطر جمعی از زبان سرلشگر جعفری، فرمانده سپاه پاسداران شنیده شد. وی در گفتگو با جام جم ضمن اشاره به کنترل خلیج فارس و بستن تنگه هرمز در صورت حمله به ایران گفت: «حمله آمریکا به ایران بدون همکاری اسرائیل عملی نمی شود و آمریکا برای حمله به ایران نیازمند اسرائیل است، اما همین نیاز به همکاری» به دلیل آسیب پذیری های اسرائیل، عاملی بازدارنده جهت حمله به ایران است». بر این اساس و با این استدلال است که سران رژیم ضد بشری ایران معتقدند با به خرج دادن اندکی مقاومت در مقابل این بحران نیل به اهدافشان حتمی است. گذشته از این رهبران رژیم شروع جنگ را بسان جنگ هشت ساله با عراق موهبت و برکتی بس ارزشمند می پندارند.

و اما طرف دیگر منازعه؛ امروزه دیگر نیت واقعی ایالات متحده در حمله به افغانستان و عراق تحت عنوان فریبکارانه مبارزه با تروریسم برای جهانیان معلوم شده است. از هر فرد عادی در هر نقطه این دنیا پرسیده شود این کشور به دنبال چیست؟ بهتر از هر تحلیلگر و کارشناس روابط بین الملل پاسخ می دهد. بعد از تجاوز نظامی به عراق و رو شدن دروغ پردازی های دولت بوش ( و تونی بلر نخست وزیر اسبق انگلیس که بیشتر شبیه معاون بوش بود تا رییس الوزرای بریتانیای کبیر) مبنی بر وجود تسلیحات اتمی در این سرزمین ثابت شد طبقه حاکم آمریکا از مدت ها قبل روی طرح خاورمیانه بزرگ فکر کرده بود و فقط جهت عملی کردن آن دنبال فرصت مناسب می گشت تا بلاخره آن موقعیت فراهم آمد. [ اما ]

طراحان پروژه و دولت مردان ایالات متحده تصور می کردند با دست بردن به جنگ و لشکرکشی نه تنها نفت منطقه را کنترل می کنند، فروش تسلیحات نظامی کمپانی های اسلحه سازی داخل را بالا می برند، بلوک های اقتصادی رقیب را عقب

بهروز ناصری

## انتقال سرمایه و شرایط کار و زیست کارگران

استفاده کرده‌اند و تاریخا این دریاچه تأثیرات مهمی در زندگی مردمان این جوامع ایفاء کرده است. در اوایل دهه ۹۰ میلادی شرکت‌های بویژه انگلیسی و دانمارکی در آن دریاچه سرمایه گذاری می‌کنند و بتدریج که خود را تثبیت می‌نمایند، زندگی مردمان آن دیار را چنان دستخوش تغییر و تحول قرار می‌دهند که آنان مجبور می‌شوند برای یافتن لقمه نانی دوندگی نمایند.

سرمایه‌گذاری شرکت سونی ایرکسون سوئد در بنگلادش و شرایط کاری که کارگران بومی در آن شرکت از آن برخوردارند، نمونه برجسته دیگریست، که در مطبوعات سوئدی هم انعکاس می‌یابد.

بورژوازی و ایدئولوگ‌های بورژوا استدلال می‌کنند که سرمایه دار با انتقال سرمایه اش به کشور دیگر، بوجود آورنده کار برای این کشورها هستند و به طبع آن، قدرت خرید آنان را بالا برده و این خود در رشد و تکامل جامعه آن جوامع تأثیر بسزایی ایفاء می‌کند.

این استدلال ایدئولوگ‌های بورژوا از یکسو در راستای حقانیت بخشیدن به استثمارکارگران کشورهای با نیروی کار ارزان و از سوی دیگر تأمین مافوق سود سرمایه است. سرمایه داران کاهش نرخ سود در کشورهای صنعتی را بدین وسیله و با توسل به انتقال سرمایه به کشورهای تحت سلطه جبران می‌کنند.

شرکت‌های چند ملیتی بر وجود حکومت‌های مستبیدی که ابتدائی‌ترین حقوق کارگران را پایمال کرده و جنبش کارگری این کشورها را به وحشیانه‌ترین شکلی سرکوب می‌کنند، به نفع کسب سود هر چه بیشتر حساب باز کرده‌اند. مبنای برخورد آنان همان قانون بی‌حقوقی کارگران در این کشورهای تحت سلطه است.

در شرایطی که کارگران از تشکل‌های سراسری و طبقاتی خود محروم باشند، دست بورژوازی برای استثمار هر چه وحشیانه‌تر کارگران کشورهای باصطلاح در حال توسعه بمراتب باز تر می‌شود. اگر فلان سرمایه‌دار غربی که سرمایه اش را به کشوری عقب‌نگه داشته شده منتقل می‌کند این جسارت را پیدا می‌کند تا شرایط کار کارگران را خود تعیین کند، شرایط کاری که بعضاً از کمترین امنیت محیط کار برای کارگران هم برخوردار نیست. سرمایه دار غربی نمی‌تواند به همان شیوه و به همان درجه از گستاخی در کشور خود عمل کند، زیرا که با اعتراضات وسیع جنبش کارگری و تشکل‌های کارگری در آن کشورها روبرو می‌گردد.

سوال اینست که چرا سرمایه‌داران و دولت‌های مدافع سرمایه داران برای نیل به مافوق سود از قوانینی بین‌المللی پیروی می‌کنند، ولی

است)، دوم برای کسب سود بیشتر سرمایه خود را به کشورهای که دارای نیروی کار ارزان و وفور مواد خام هستند، انتقال می‌دهد. مثلاً حدود ۴۰ شرکت نروژی در ایران در بخش‌های مختلف سرمایه گذاری کرده‌اند. سودهای حاصله از این سرمایه گذاری‌های نجومی و در سطح فوق العاده کلان است. و این در شرایطی است که مثلاً شرکت هیدرو نروژ وقتی در فلان منطقه ایران شعبه ای را باز می‌کند، نه با تکیه بر قانون کار نروژ، بلکه براساس قانون و وضعیت اسفناکی که از سوی دولت و سرمایه دار ایرانی و با حمایت از سوی نیروهای مسلح و انتظامی برای کارگران ایران بوجود آورده‌اند، عمل می‌کنند. و این یعنی کسب مافوق سود برای سرمایه دار یا سرمایه گذاران نروژی و ماندن کارگران در همان شرایط مشقت باری که به آنان تحمیل شده است. نمونه شرکت‌های ماهی قزل‌آلای نروژی در کشور شیلی:

تولیدات و صدور ماهی قزل‌آلای یکی از اقلام مهم شیلی است که از سال ۱۹۹۷ به این سو رشد زیادی کرده است. شیلی مسئولیت ۳۸ درصد از تولیدات ماهی قزل‌آلای در جهان را عهده دار می‌باشد و ۵۴۴۰۰ کارگر بطور مستقیم یا غیر مستقیم در این بخش تولیدی کار می‌کنند که ۳۰ درصد آنرا زنان تشکیل می‌دهند.

از اواخر دهه ۹۰ میلادی دو شرکت بزرگ نروژی بنام‌های ماینستریم و مارینه هاروست، شعباتی را در شیلی دایر می‌نمایند. گزارشاتی که در این زمینه منتشر شده حاکی از این است که:

- بویژه زنان در معرض شرایط بد کاری قرار دارند،

- زنان بندرت به مسئولیت عرصه‌ای برگزیده می‌شوند،

- دستمزد زنان پایین تر از سطح دستمزد مردان است،

- در بعضی از شرکت‌ها به زنان حامله بعنوان انسان‌های مولد نگریده نمی‌شود و آنان در کارهای اشتغال می‌یابند که مزدشان در سطح پایین‌تری قرار دارد،

- به زنان فشار آورده می‌شود که از دوران مرخصی بارداری یا چشم‌پوشی کنند یا آنرا کوتاهتر نمایند، ...

یا از نمونه‌های برجسته دیگر می‌توان از دریاچه ویکتوریا در آفریقا نام برد. این دریاچه که مساحت آن ۶۸۸۰۰ کیلومتر مربع است، تاریخاً برای کشورهای کنیا، اوگاندا و تانزانیا منابع مهمی بشمار آمده است. مردمان پیرامون این دریاچه از قبل ماهیگیری، صادرات، استفاده از آن برای آبیاری زمین‌های زراعتی و حتی برای آب‌اشامیدنی از آن

سطح زندگی و شرایط کار کارگران کشورهای در حال توسعه نظیر ایران، عراق، بنگلادش، شیلی و... در مقایسه با کشورهای سرمایه داری صنعتی و پیشرفته نظیر آمریکا، انگلیس، سوئد، نروژ و... از زوایای مختلف حاوی تفاوت‌های زیادی است. اینکه طبقه کارگر هم در کشورهای صنعتی و هم غیر صنعتی تحت استثمار سرمایه داران و دولت‌های بورژوائی قرار دارند، نمی‌تواند تفاوت‌های سطح زندگی و شرایط کار کارگران در این دو طیف از کشورها را بپوشاند. چرایی این تفاوت‌ها موضوع بحث فعلی نیست. آنچه که در اینجا مد نظر است شرایط کار کارگران کشورهای غیرصنعتی که در شرکت‌های فراملیتی در کشور خود مشغول بکار هستند، می‌باشد.

معضل اینست که کارگران در کشورهای غیرصنعتی مثل ایران آنقدر تحت فشار سرمایه‌داران و دولت قرار دارند که ناچارند مبارزه و رودرروئی‌هایشان با سرمایه داران و دولت را در وهله اول متوجه کسب حقوق ابتدائی (حقوق‌های معوقه، بیکارسازی‌ها و خصوصی‌سازی‌ها...) کنند که از آنان گرفته می‌شود.

وضعیتی که طبقه کارگر در ایران در آن قرار دارد، کمتر این مجال و فرصت را برای فعالین کارگری بوجود می‌آورد که به جستجو در مورد شرایط کاری و سطح زندگی کارگرانی که در شرکت‌های فراملیتی کار می‌کنند، بپردازند. این موضوعی است که دیر یا زود فراروی جنبش کارگری ایران نیز هست.

از لحاظ تئوریک آنچه که مولد است کار کارگر است و نه سرمایه سرمایه دار، و اینکه این کار کارگر است که منبع بوجود آمدن ارزش اضافه و سوددهی برای سرمایه داران است. اگر نیروی کار کارگر نباشد، سرمایه دار نمی‌تواند با داشتن فلان وسائل تولید به سود و مافوق سود خود نائل آید.

کارخانه ای که بدرجات زیادی اتوماتیزه شده باشد و قسمت قابل توجهی از تولیدات خود را بوسیله کامپیوتر انجام دهد، به نیروی انسانی کمتری برای تولید کالای مورد نظر نیازمند است. منطقاً کاهش نیروی کار انسانی در حوزه تولیدات، کاهش نرخ سود را بهمراه خواهد داشت. سرمایه دار برای جبران این کاهش در نرخ سود، چند کار انجام می‌دهد. اول حیظه بازاریابی برای فروش کالاهای خود را گسترش می‌دهد، کالاهای زیادی تولید می‌کند و به بازارهای مختلف در اقصاء نقاط جهان ارسال می‌دارد (که خود این مولفه یعنی بازاریابی و گسترش منطقه تحت نفوذ از نظر اقتصادی یکی از دلایل مهم لشکرکشی‌های کشورهای امپریالیست به مناطقی چون عراق و ...



## فارک و چشم انداز مبارزه طبقاتی در کلمبیا



نویسنده: آنیبال مونتویا Anibal Montoya  
ترجمه: بیژن رنجبر

یک سازش غیر ممکن با بورژوازی غیر مترقی، دفاع نمود که منجر به فرجامی هلاکت بار گردید. از اینرو فارک طی چهل و پنج سال گذشته ابژه های سوسیالیستی را پی ریزی نکرده و تنها اقدام به اعمال فشار بر بورژوازی کلمبیا به منظور کشاندن آن به پای میز مذاکره و پذیرش اصلاحات ارضی و دیگر مطالبات دمکراتیک نموده است.

اما روشن است که سلب مالکیت از زمینداران امری جدائی ناپذیر از سلب مالکیت از سرمایه داران و بانکداران در شهرها نیست، زیرا همه آنان به یک طبقه متعلق هستند. از اینرو نمی توان اصلاحات ارضی را از مبارزه برای سوسیالیسم تفکیک نمود. از همین روی سلسله مذاکرات میان فارک از یکسو و دولت هایی که پیاپی در کلمبیا به قدرت دست یازیدن از سوی دیگر با شکست مواجه شده است، از این قرار در دهه ۸۰ میلادی هنگامی که فارک اعلام آتش بس و اقدام به برپایی حزب قانونی یونیون پاتریوتیکا (اتحاد میهن پرست) به منظور جستجوی راه های پارلمنتاریستی مبارزه نمود، طبقه حاکم با ترور بیش از ۳۰۰۰ نفر از مبارزین شامل سه کاندیدای ریاست جمهوری توسط پلیس و نیروهای شبه نظامی وابسته به خود، به آن پاسخ داد.

### تاکتیک اورپیه

این احتمال تعجب برانگیز وجود دارد که یک مرتجع عوامفریب مانند اورپیه بتواند در دو انتخابات پیاپی ریاست جمهوری برنده شود. با این حال در آخرین انتخابات ریاست جمهوری در سال ۲۰۰۶ شصت درصد واجدین شرایط از شرکت در انتخابات خوداری کردند، آنچه در این میان واقعا برجسته می نمود، نمایش بزرگ ائتلاف چپ، قطب دمکراتیک (متکی بر حزب کمونیست قدیم) بود که ۲۲ درصد آراء و رتبه دوم را در انتخابات احراز نمود و از سال ۲۰۰۳ تاکنون کنترل شهرداری بوگوتا را در اختیار دارد.

اما از منظری دیگر بعد از چند دهه مبارزه چریکی که منجر به نتایج قطعی نگردید، نوعی خستگی در میان

مرگ مانوئل مارولندا Manuel Marulanda رهبر افسانه ای نیروهای مسلح انقلابی کلمبیا FARC، مجددا باب بحث درباره چشم اندازهای آتی در برابر فارک و مبارزه طبقاتی در کلمبیا را گشوده است. فارک در ماه های اخیر دو ضربه سخت از طریق ترور دو تن از رهبران اصلی خود، رائل ریزیز Raul Reyes و ایوان ریزیز Ivan Rios، از اعضای کادر رهبری چهار نفره خویش متحمل شده است. معهذاً فارک هنوز کنترل بخش قابل توجهی از سرزمین کلمبیا (عمدتاً در مناطق جنگلی) را ضمن حضور فعال با بیش از پانزده هزار جنگجو در اختیار دارد.

مبارزات فارک با بیش از چهل سال سابقه ریشه در علل عمیق اقتصادی و اجتماعی از جمله عقب ماندگی کشور، تمرکز املاک و زمین های کشاورزی در دست ملاکین و زمینداران، ستم بر دهقانان فقیر و کارگران و نتایج ناگوار سرمایه داری فاسد هم چون مواد مخدر، فقر و فلاکت دارد.

در واقع سال ها می گذرد که کلمبیا به خاکریز و پایگاه اصلی امپریالیسم آمریکا در آمریکای جنوبی تبدیل شده است. در حال حاضر در رأس کشور، آلوارو اورپیه Alvaro Uribe یک بیمار روانی مرتجع قرار گرفته است که قاطعانه از سوی زمینداران و الیگارش صناعی و هم چنین گروه های شبه نظامی که در پانزده سال گذشته چهار هزار تن از رهبران شناخته شده و اعضای اتحادیه های صنفی کارگری را ترور کرده اند، حمایت می شود.

### ریشه های مبارزه مسلحانه در کلمبیا

فارک در سال ۱۹۶۴ بوجود آمد، اما تاریخچه آن به سال ۱۹۴۸ بر می گردد، زمانی که خورخه اله سرگیتن Jorge Eliecer Gaitan، کاندیدای ریاست جمهوری و رهبر جناح چپ حزب لیبرال ترور شد. این ترور قیام دهقانان و ظهور گریلاهای (چریکهای) اولیه کلمبیایی را سبب گردید. فارک دارای پیوندهای تاریخی با حزب کمونیست کلمبیا است. در گذشته حزب کمونیست کلمبیا PCC تحت نفوذ استالینیسیم از رفرمیست ها، ناسیونالیست ها و جایگزینی مبارزه برای سوسیالیسم با

به محض اینکه موضوع به برخورد به مسائل کارگری رسید؛ آنرا بر اساس قوانین محلی و کشورهای تحت سلطه می سنجند؟

پاسخ این سوال در سطح مبارزه طبقاتی و ناهمگون بودن سطح زندگی کارگران در کشورهای مختلف نهفته است. در کشورهای اروپایی و غربی اتحادیه های کارگری یکی از موانع و دست اندازیهایی است که سرمایه داران نمی توانند به میل و آرزوی خود شرایط کار را برای کارگران تعیین نمایند. هرچند اتحادیه های کارگری تحت نفوذ و زیر سیطره احزاب سوسیال دمکراسی هستند و سوسیال دمکراسی نیز در عصر کنونی جزو احزاب دست راستی هستند که انسان باید با ذره بین بگردد تا تفاوت آنان را با احزاب دست راستی بیابد، اما همین اتحادیه های کارگری تحت نفوذ، به آن درجه از بی تأثیری نرسیده اند که بود و نبودشان به حال زندگی و مبارزات کارگران بی تأثیر باشد. اتحادیه های کارگری علیرغم جایگاهشان در رابطه با به سازش کشاندن مبارزات کارگران با کارفرماها، اما هنوز هم در عرصه های دستمزد و محیط کار و موارد متعدد دیگر فعال هستند. کارگران ایران حتی از این نوع اتحادیه ها که مدافع منافع کارگران حداقل در عرصه اقتصادی باشند هم محروم هستند.

لذا با برآورده شدن دو مولفه، کارگران کشورهای تحت سلطه می توانند دست شرکت های چند ملیتی را که برای سرمایه گذاری روانه بازارهای کشورهای با نیروی کار ارزان می شوند را در آزاد بودن برای تعیین شرایط کار و ... کوتاه کنند:

اولین مولفه اینست که کارگران چنین کشورهایی، مثلاً ایران، از تشکل سراسری و توده ای خود برخوردار باشند، تا بدینوسیله بطور موثرتری بتوانند از یکسو از منافع خود در مقابل دولت و کارفرماهای داخلی و خارجی دفاع کنند و از سوی دیگر یک استاندارد تعیین کنند که این استاندارد به نرم پذیرفته شده اجتماعی مبدل شود به شکلی که عبور از آن غیر قابل قبول تلقی گردد.

دومین مولفه مهم اینست که جنبش های کارگری کشورهای مختلف بویژه کشورهای آسیایی و اروپایی در ارتباط نزدیکی با هم قرار داشته و درست در چنین مواقعی که اتحاد و همبستگی عملی کارگران ایجاب کنند دست به عمل بزنند.

هیچ دلیلی وجود ندارد که کارگران هیدرو در نروژ از مزایای کاری چون دو روز تعطیلات در هفته، ۵ هفته مرخصی سالانه با حقوق کامل، پرداخت منظم حقوق ماهانه و ... برخوردار باشند ولی کارگران ایرانی که در شعبه ای از هیدرو، اما در ایران مشغول به کار هستند از چنین مطالباتی محروم بوده و قانون کار و فرهنگ و سنت ایرانی که بر اساس بی حقوق کردن کارگران نوشته شده است، بر کار و شرایط کاری آنان حاکم باشد. این دقیقاً یعنی باز گذاشتن دست سرمایه داران داخلی و خارجی برای استثمار هرچه شدیدتر کارگران ایرانی، بنگلادشی و شیلیایی و جاهای دیگر.

به عقب راندن سرمایه داران در تعرض به کار و شرایط کار کارگران در گروه این است که اولاً کارگران دارای تشکل سراسری و طبقاتی خود باشند و دوماً جنبش های کارگری کشورهای مختلف در ارتباطی اتحادی و رفیقانه با هم قرار داشته باشند تا بتوانند شرایط کار حاکم بر محیط های کاری و انواع مطالبات را خود تعیین نمایند و نه کارفرمایان و دولت آنان.

پیش بسوی ایجاد تشکل سراسری و طبقاتی کارگران  
زندآ باد همبستگی بین المللی کارگران  
جولای ۲۰۰۸



بیژن رنجبر

## دیکتاتوری مذهبی و آسیب های اجتماعی

مردم مشاهده می شد. در چنین فضای آکنده از نومیادی ناشی از عدم دستیابی به نتایج عملی، فارک به حملات و آدم ربایی های گسترده متوسل گردید که این تاکتیک به نوبه خود از سوی بورژوازی و امپریالیسم با هدف بسیج طبقات متوسط و بخش های عقب افتاده سیاسی کارگران و دهقانان برای حمایت از سیاست "بازوی قوی" طبقه حاکم مورد بهره برداری قرار گرفت.

علیرغم آنچه گفته شد، در سال های اخیر احیای مبارزات کارگری و توده ای در کلمبیا به وضوح قابل مشاهده است، بطوری که شاهد اعتصابات متعدد عمومی و نیز بسیج عظیم توده ای علیه امضای قرارداد تجارت آزاد با ایالات متحده آمریکا، راهپیمایی های اعتراضی بومیان، دهقانان و مبارزات دانشجویان بوده ایم و نیز طبقه کارگر به رغم ضرباتی که متحمل شده، لیکن دوباره قدرت و توان خود را در سطحی سازمان یافته و مبارزه جویانه به نمایش گذاشته است.

اوربیه، تحت فشار ایالات متحده آمریکا چندین بار پیشنهاد آزادی اسرای فارک را رد نموده و با اقدام به قتل رائل ریز در اکوادور هرگونه امکان بالقوه صلح را نابود ساخته است.

بدینسان واضح است که در مواجهه با یک جنبش کارگری در حال ظهور و یک آلترناتیو چپگرای غیرمنتظره سیاسی، بورژوازی کلمبیا مایل به حفظ مسئله "مشکل چریکی" در کشور، با هدف تداوم سیاست پامال کردن حقوق دمکراتیک مردم، بازداشت های کور و ترور رهبران کارگری و توده ای است.

علاوه بر این حفظ یک "جبهه جنگ" داخلی، به بورژوازی کلمبیا و ایالات متحده آمریکا فرصت می دهد که از تشدید سیاست های میلیتاریستی با چشم انداز راه اندازی جنگ علیه ونزوئلا به عنوان آخرین کارت، با هدف سرنگونی دولت چاووز، تخریب انقلاب ونزوئلا و جلوگیری از سرایت آن به سایر مناطق آمریکای لاتین، استفاده کند.

### شهرها مرکز انقلاب

محدودیت های جنگ چریکی در کلمبیا آشکار است. به رغم گذشت ۴۰ سال، جبهه نبرد بالنسبه ثابت باقی مانده است و به نظر می رسد ۴۰ سال دیگر نیز بدون دگرگون های بنیادین همین وضعیت ادامه یابد. حتی در کشوری با دهقانان بیشتر همچون کلمبیا، شریان های حیاتی جامعه یعنی نهادهای سیاسی، اقتصادی و صنعت حمل و نقل در شهرها تمرکز یافته اند.

هیچ رژیم قادر به پایداری و ایستادگی بر روی پاهای خود در مواجهه با یک ضربه عمومی انقلابی فلج کننده تمام کشور که از شهرها آغاز گردد، جایی که انبوه کارگران، کارخانه ها و مراکز قدرت را به اشغال خود در آورند، نخواهد بود. این آن چشم اندازی است که توان و انرژی کادرهای انقلابی را که باید در جهت فوق هدایت گردند، حفظ می کند.

با این وصف، آیا رهبران فارک باید فارک را منحل کنند؟

پاسخ روشن است: به هیچ وجه. فارک می تواند و باید از طریق تلاش برای پیوستن به روند مبارزه در شهرها، در دسترس اجتماعات کارگران و کشاورزان قرارگرفتن و آموزش و تسلیح کمیته های کارگران و کشاورزان که وظیفه مقابله با آدمکش های استخدام شده از سوی کارفرمایان و گروه های شبه نظامی را به عهده دارند، نقش بسیار مفیدتری در امر به ثمر رساندن انقلاب ایفا نماید.

از اینرو انقلاب کلمبیا باید ترکیبی باشد از مبارزه مسلحانه در روستاها و قیام عمومی در شهرها که توسط طبقه کارگر و حزبی که ریشه در میان توده ها دارد هدایت گردد. لذا تاکید بر این است که فارک باید به عنوان یک عنصر حامی و نه پاشنه و محور اصلی مبارزه انقلابی عمل کند.

ژوئن ۲۰۰۸

جامعه ایران تحت حاکمیت دیکتاتوری مذهبی از گسترش بی سابقه و فاجعه آمیز آسیب های اجتماعی عمیقاً رنج می برد. واقعیت موجود جامعه کنونی ما گواه این حقیقت است که رژیم اسلامی با اعمال سیاست های مخرب نئولیبرالیستی در چارچوب برنامه های پنج ساله توسعه که از سوی نهادهای مالی بین المللی وابسته به امپریالیسم، همچون بانک جهانی و صندوق بین المللی پول دیکته می شود و نیز تحمیل سرگوبگرانه ارزش های واپسمانده مذهبی و فرهنگ قرون وسطایی خود بر جامعه بویژه بر گروه های سنی جوان، جامعه ایران را به ورطه ای فاجعه آمیز و خطرناک، که جامعه شناسان آن را وضعیت «آنومیک» می نامند، فروغلتانده است.

بی سبب نیست که دیکتاتوری مذهبی را باید عامل اصلی و محرک عمده بروز و گسترش هولناک آسیب های اجتماعی همچون فقر، فحشا، اعتیاد، طلاق، کودکان خیابانی، دختران فراری و انواع گوناگون جرم و جنایت معرفی نمود. در این میان گسترش اعتیاد به مواد مخدر، دامنه فراگیر آن در سطح ملی، راهیابی نگران کننده آن به میان دختران ایرانی و جذب قربانیان جدید از هر دو جنس، گسترش آشکار آن در اماکن عمومی چون پارک ها و مدارس، ورود مواد مخدر جدید به بازار، و سرانجام هزینه ارزان قیمت دسترسی بدان، جای هیچ شبهه ای باقی نمی گذارد که کارگزاران رژیم اسلامی خود نیز دست اندرکار تهیه و توزیع مواد مخدر در ایران هستند.

### وضعیت آنومیک

همزمان با انقلاب ۵۷ و سقوط دیکتاتوری سلطنتی، در پرتوی انقلاب اجتماعی نوظهور، نیروهای مادی و معنوی جامعه آزاد گشت و در مسیر رشد و انکشاف و تعالی به حرکت درآمد، در چنین شرایطی متأثر از وضع جدید برآمده از انقلاب، ضمن فرو ریختن وضع پیشین و به همراه آن زوال نظام کهنه ارزش ها و هنجارها، موقعیت جدید، فرصت اجتماعی و بستر فرهنگی بالنده و شایسته ای در جهت کمال اخلاقی و تعالی فرهنگی فرا روی قشرها و طبقات اجتماعی بویژه گروه های سنی جوان قرار داد و نمونه هایی چون کشتش و اشتیاق همگانی

به مطالعه متون سیاسی، شرکت در مباحث سیاسی خیابانی، رشد چشمگیر احزاب و سازمان های سیاسی، برگزاری میتینگ ها و جلسات سخنرانی و شب های شعر و نیز حضور علنی و متعدد سازمان های کمونیستی در مقیاس وسیع و سراسری که تا آن تاریخ بی سابقه می نمود، به غنای فضای فرهنگی و اجتماعی جامعه فزونی می بخشید.

هم چنین در طول پروسه انقلاب و نیز بلافاصله بعد از رهایی از یوغ دیکتاتوری سلطنتی، همبستگی اجتماعی در میان اعضای جامعه به حد اعلا افزایش یافت و افراد از عمیق ترین درجه همنوایی اجتماعی با ارزش های جمعی و مصالح نوین عمومی برخوردار گردیدند و در مقابل نیز جامعه به نقطه اتکای اعضا تبدیل و مضمون رفتارهای اجتماعی ایشان را تعیین و به صورت بهنجار سامان می داد. به بیانی تئوریک، به دلیل همبستگی اجتماعی افزایش یافته در پروسه انقلاب و همنوایی عمیق اجتماعی در نخستین مرحله پس از استقرار نظم نوین، علی العموم از میزان آسیب ها و نرخ ناهنجاری های اجتماعی به نحوی چشمگیر کاسته می شود و به پایین ترین سطح ممکن سقوط می کند. به عبارت دیگر غنای سیاسی - فرهنگی جامعه ای که در آن انقلاب بوقوع می پیوندد وجدابیت فوق العاده ارزش های جدید و برآمده از پروسه جنبش انقلابی، فرصتی برای بروز گسترده سرخوردگی های روانی - اجتماعی و در نتیجه گرایش فراگیر به انحراف از ارزش ها، هنجارها و موازین اخلاقی باقی نمی گذارد.

طبق یک تعریف کلاسیک، آسیب های اجتماعی و به تعبیر جرم شناسانه، بزهکاری های اجتماعی به کنش هایی اطلاق می گردد که خود نتیجه انحراف از هنجارها و قوانین حقوقی است. با استناد به تعریف مزبور، هرگاه هنجارهای اجتماعی و قوانین حقوقی حاکم، مورد وثوق و احترام اکثریت جامعه، گروه ها و طبقات عمده اجتماعی واقع و در فرآیند کنش های متقابل اجتماعی محترم شمرده شوند، آمار و نرخ آسیب ها و انحرافات اجتماعی در حدی قابل تحمل و نه فراگیر باقی می ماند زیرا اکثریت جامعه، خود بالاستقلال با ارزش ها و هنجارهای اجتماعی همنوایی کرده، از عبور از مرزهای وضع شده سر باز

روشنی از ماهیت ترس آور "حکومت مذهب"، بمثابه نظام استبدادی پرده برمی دارد و آشکارا در مقام اثبات نظریه نویسنده "روح القوانين" در باب خصلت مرکزی نظام های استبدادی آنگاه که می گوید در نظام استبدادی تنها یک چیز در میان اعضای جامعه بصورت برابر تقسیم می گردد، آن هم ترس از حاکم مستبد است؛ سکوی نخست را احراز می کند!

دوم آنکه رژیم اسلامی در چارچوب نگرشی لاهوتی و آن جهانی به آسیب های اجتماعی با تکیه بر قاعده مذهبی "اوصیکم به تقوالله" و "امر به معروف و نهی از منکر" سعی می کند با تبلیغ و ترویج ارزشهای واپسمانده دینی و تحمیل قالب های فرهنگی خود، اخلاق اسلامی را در میان افراد و گروه های اجتماعی اشاعه دهد و بدینسان با اتکا به ابزار اخلاق از گسترش ناهنجاری های اجتماعی مانع بعمل آورد.

این باور اسلامی خود به نقطه عزیمتی در نزد کارگزاران دیکتاتوری مذهبی برای تجاوز دوباره به حوزه و حدود خصوصی زندگی اعضای جامعه بدل گشته است. از اینرو رژیم اسلامی به لحاظ سرکوبی آزادی ها و دست اندازی به حقوق فردی انسان ها در میان رژیم های استبدادی از مقامی ممتاز و منحصر بفرود برخوردار است. دیکتاتوری های معمول بورژوازی از آنجا که از ناحیه آزادی های سیاسی و اجتماعی احساس خطر می کنند، اقدام به سرکوبی و انهدام این سنخ از آزادی ها می نمایند، لیکن دیکتاتوری مذهبی حاکم بر ایران در حالی که آزادی های سیاسی و اجتماعی را نابود می سازد در همان حال به خصوصی ترین زوایای زندگی اعضای جامعه دست اندازی و بصورت وحشیانه به سرکوبی انتخاب ها و آزادی های فردی مبادرت می ورزد. روشن است که این حد از تجاوز بدور از ذره ای شرم، برآمده از جانمایه مذهبی رژیم اسلامی است که به آن اجازه می دهد راجع به خاص ترین مناسبات افراد جامعه فتوا و حکم صادر و عملا اقدام به دخالت مستقیم و عریان کند، چرا که در باور دیکتاتوری مذهبی هیچ حوزه ای خصوصی و خارج از دایره کنترل مذهبی تلقی نمی گردد و به هر ترتیب اخلاق اسلامی می بایست فراگیر و تمام شؤن زندگی اعضای جامعه را در برگیرد.

در مقابله با وضعیت "آنومیک"، واکنش افراد و گروه های اجتماعی تحت سلطه از یکدیگر متفاوت می باشد، لیکن شایع ترین شیوه به منظور انطباق با مقتضیات بهم ریختگی هنجاری، شکل آسیب شناسانه است، بدین معنا که گروهی بدون آنکه اهداف و ابزار اجتماعی نوینی به عنوان بدیل برای جایگزینی اهداف و ابزار اجتماعی موجود در چشم انداز داشته باشند با قطع پیوندهای اجتماعی و فرهنگی خود با نظام ارزشی طبقه حاکم به سمت نوعی خلاء ارزشی و بحران هویت سوق می یابند، علل بسیاری از خودکشی ها و گرایش به مصرف مواد مخدر را بایستی در این زمینه جستجو نمود. گروهی دیگر ضمن پذیرش اهداف اجتماعی

موجود که از سوی قدرت حاکم ترویج می گردند، شیوه های ابتکاری خاص



حاکم و به دنبال آن رویگردانی از ارزش های مسلط، شیوه اقتناع و محصول آن یعنی همنوای درونی و داوطلبانه با ارزش ها و هنجارهای حاکم، کارآیی خود را ازدست می دهد، لیکن رژیم حاکم به دلیل نیاز مبرم به حفظ بقا و تعادل و استمرار حیات خود، به رعایت ارزش ها و هنجارهای حاکم از سوی محکومین سخت نیازمند است، در نتیجه به تنها طریق میسر و موجود در دوران "بحران"، به منظور اعمال ارزش ها و هنجارهای مطلوبش، یعنی "زور" متوسل می گردد، و این چنین است که بطور نمونه شعار «یا روسری یا توسری» از حلقوم ارتجاع سر بر می آورد.

ادامه این روند یعنی تشدید اعمال زور، عکس انتظار رژیم حاکم، خود موجب افزایش شکاف و فزونی فاصله میان گروه ها و طبقات اجتماعی محکوم با قدرت حاکم می گردد. در چنین وضعیتی، یک رابطه مستقیم اجتماعی پدید می آید، به این معنا که هر چه اعمال "زور" از ناحیه قدرت حاکم به قصد اجبار افراد جامعه در رعایت ارزش ها و هنجارهای مسلط افزایش یابد، به همان نسبت نیز حس نفرت و دوری از ارزش های مطلوب قدرت حاکم، در نزد افراد و گروه های محکوم فزونی می یابد، بطوریکه در ادامه، حاکمیت سیاسی توانایی کنترل و هدایت رفتارهای اجتماعی و حفظ انگاره های فرهنگی را از کف می بازد و جامعه را به سوی وضعیت "آنومیک" سوق می دهد، که به دنبال آن امواج سهمگین و پیاپی سرخوردگی های روانی - اجتماعی افراد و گروه های جامعه بویژه گروه های سنی جوان را در هم می کوبد و در نتیجه نرخ آسیب ها و ناهنجاری های اجتماعی به شکلی سرسام آور فزونی می یابد.

دیکتاتوری مذهبی در مواجهه با پیامدهای آسیب شناختی وضعیت آنومیک، که خود محصول سه دهه حاکمیت جهل و جنایت همین رژیم است، معمولاً از دو شیوه سود می جوید: نخست آنکه با هجوم به محلات فقیرنشین و تخریب آنها همچون محله جمشید و زاغه نشین خاک سفید، ناتوان از پاسخگویی به معضل آسیب های اجتماعی درصدد زودن صورت مسئله بجای حل آن بر می آید و همچنین با براه انداختن اقدام های خیابانی و توسل به ابزار وحشیانه دار و درفش و شلاق و سرکوب قربانیان خود، در پی ایجاد فضای عمومی ارباب و "ترس" تلاش می ورزد تا به زعم خود با زهرچشم گرفتن از اعضای جامعه مانع از گرایش به جرم و بزه گردد.

شایان ذکر است که دیکتاتوری مذهبی با چنین نگرشی نسبت به رفع آسیب های اجتماعی، به

می زند. عکس این وضعیت دقیقاً زمانی در ایران پدیدار گردید که جامعه ما به دلیل سیاست های نئولیبرالیستی و عملکرد سرکوبگرانه و استبدادی رژیم اسلامی از مرحله انقلاب به مرحله "بحران" گذار نمود.

در مرحله "بحران"، جدا از پیامدهای سیاسی - اقتصادی فاجعه بارش، نرخ آسیب ها و بزهکاری های اجتماعی سیر صعودی یافته، فوران نموده است و سلامت فرهنگی جامعه ایران بویژه گروه های سنی جوان را به شدت تهدید می کند. از این دیدگاه خصلت برجسته دوران بحران، وضعیت "آنومیک" جامعه ایران است که تحت آن، افراد، گروه ها و طبقات اجتماعی از نوعی بی هنجاری اجتماعی و بی ثباتی در نظام هنجارها رنج می برند و نیز سرخوردگی های عمیق روانی و فرهنگی دامنگیر جامعه گشته است. در چنین وضعیتی مرز میان هنجارها و ناهنجاری ها، ارزش ها و ضد ارزش ها فرو ریخته و بدین ترتیب اعضای جامعه در فرآیند کنش های متقابل اجتماعی به نوعی سردرگمی هنجاری مبتلا گشته اند.

بدینسان دیکتاتوری مذهبی حاکم بر ایران که با سرکوبی نیروهای چپ و مترقی با پتانسیل سازندگی جامعه ای پیشرفته و انسانی، درهم شکستن نهادهای اجتماعی و فرهنگی بالنده و نوگرا، ترویج خرافات و اشاعه فرهنگ واپسمانده مذهبی و نیز گسترش هولناک فقر و فلاکت و گرسنگی در میان توده ها، "ثبات هنجاری" جامعه ایران را مختل و آن را به مرحله "بحران" و وضعیت "آنومیک" فرو برده است، مسبب اختلال در امر "بهداشت روانی و تعادل اجتماعی" در نزد افراد جامعه و از اینرو عامل اصلی و محرک عمده بروز و گسترش بی سابقه آسیب ها و ناهنجاری های اجتماعی در ایران است، چرا که در فقدان ثبات هنجاری، که وظیفه نگاهداری از آن به عهده نهادهای اجتماعی بویژه دولت است، حفظ بهداشت روانی و تعادل اجتماعی افراد جامعه که خود مانع از گرایش به هنجارشکنی و بروز گسترده آسیب های اجتماعی می گردد، میسر نخواهد بود.

لازم به ذکر است آنگاه که ارزش ها لازم الاجرا می گردند صورت هنجار می یابند، یعنی نوعی اجبار در اجرا و رعایت را بیان می کنند که سرپیچی از آن می تواند مستوجب مجازات گردد. با این وصف گروه ها و طبقات مسلط به منظور تضمین دستیابی به مقاصد و منافع طبقاتی خود همواره درصدد تحمیل ارزش های مطلوب خویش به قشرها و طبقات تحت سلطه بر می آیند و از این روی التزام عملی را به ارزش های خود افزوده، آن را به صورت هنجار عرضه می کنند. بدین منظور هیئت حاکمه از سویی توسط دستگاه ایدئولوژیک و ماشین تبلیغاتی خود، افراد و گروه های تحت سلطه را به همنوایی درونی (داوطلبانه) با ارزش های حاکم فرا می خواند و از سوی دیگر به ارزش های طبقاتی و ایدئولوژیک خود شکل حقوقی داده، اعضای جامعه را از طریق اعمال "زور" به رعایت و اجرای آن وامی دارد.

حال آنکه در دوران "بحران" به دلیل ناخرسندی افراد و گروه های تحت حاکمیت از قدرت



# JAHAN-E-EMROUZ

JE - P:O:Box 2018 127 02 Skärholmen SWEDEN

Editor: **Halmat Ahmadian**

ha@cpiran.org

11 August 2008 NO: **210**



## گرامی باد یاد "لاله حمه"

کمیته مرکزی کومه له طی اطلاعیه‌ای به تاریخ ۱۴ تیر، خبر از درگذشت احمد فتحی مشهور به "لاله حمه مریوان"، کادر و پیشمرگ قدیمی کومه له و عضو حزب کمونیست ایران، در بیمارستانی در شهر سلیمانیه داد.

"احمد فتحی" چهره محبوب مردم کارگر و زحمتکش مریوان، یار و یاور کاک فواد و پیشمرگی بود که تصویری از چهره مسلح وی در کردستان و سراسر ایران به سمبول مبارزه و مقاومت تبدیل شد.

احمد فتحی از اولین روزهای تاسیس اتحادیه دهقانان با اراده ای پولادین به

مبارزات مردم زحمتکش علیه رژیم اسلامی پیوست و پس از آن نیز به صفوف پیشمرگان کومه له ملحق شد و تا آخرین لحظات زندگی پربارش در صفوف کومه له و حزب کمونیست ایران به مبارزه ادامه داد.

## یاد احمد فتحی زنده و گرامی است!

بازدارنده قدرت حاکم بر می آیند. در یک نتیجه گیری عمومی از آنچه گفته شد لازم به ذکر است که فوران نابسامانی‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی در ایران تحت حاکمیت دیکتاتوری مذهبی، ضرورت وقوع یک انقلاب اجتماعی به رهبری طبقه کارگر با هدف استقرار سوسیالیسم و جامعه ای مبتنی بر رفاه همگانی، آزادی و برابری را بیش از پیش مبرم و عاجل نموده است. بی‌گمان یگانه آلترناتیو استراتژیک و راه حل نهایی برای پایان بخشیدن به وضعیت دهشتناک کنونی و رفع تمام اشکال نابرابری، ستم و فقر و گرسنگی و صور گوناگون آسیب‌های اجتماعی و در نهایت تأمین یک زندگی در خور کرامت انسان، برچیدن بساط نظام منحوس سرمایه داری و دیکتاتوری مذهبی از رهگذر انقلابی بنیان کن و استقرار نظام سوسیالیستی در ایران خواهد بود.

خود را برای دستیابی به اهداف مزبور جایگزین ابزار قانونی و رسمی می کنند، آسیب‌هایی از نوع سرعت، خرید و فروش مواد مخدر و تن فروشی با تکیه بر فرآیند فوق قابل تبیین و درک هستند، به عبارت دیگر بایستی ریشه این نوع گرایش به آسیب‌های اجتماعی را در ساختار نابرابر توزیع فرصت‌ها و مجال‌ها برای دستیابی به اهداف جذاب و تأکید شده اجتماعی جستجو نمود.

جدا از واکنش‌های آسیب شناسانه، گروهی دیگر در قالب رویکردی بالنده، پیشرو و سازنده، در واکنش به شرایط بحران و وضعیت آنومیک گزینه انقلابی‌گری را بر می‌گزینند و ضمن نفی اهداف اجتماعی و ابزار و شیوه‌های رسمی متعلق به طبقه حاکم، در پی استقرار اهداف و ابزار نوین اجتماعی از رهگذر دگرگونی وضع ناعادلانه موجود به همراه الغای نظام ارزش‌ها و هنجارهای فروبرنده و

## از سایت‌های

### حزب کمونیست ایران و کومه له دیدن کنید!



www.cpiran.org



www.komalah.org



www.tvkomala.com

سایت حزب کمونیست ایران

سایت کومه له

سایت تلویزیون کومه له

دبیرخانه حزب کمونیست ایران

C.D.C.R.I Box 2018  
127 02 Skärholmen  
SWEDEN  
Tel +46-08-86 80 54  
cpi@cpiran.org

کمیته خارج کشور  
حزب کمونیست ایران

+46-707 254 016  
kkh@cpiran.org

نماینده‌گی کومه له  
در خارج کشور

K.K.  
P.O.Box 75026  
750 26 Uppsala  
Sweden  
Fax: +46-18-46 84 93  
komala@cpiran.org  
Tel: +44 -7746163103

نماینده‌گی کومه له در سلیمانیه  
Tel: 3124760 - 3125815

کمیته مرکزی کومه له  
Tel: 00442081441539

آدرس‌های حزب کمونیست ایران و کومه له

## جهان امروز

نشریه سیاسی

حزب کمونیست ایران

سردبیر: هلمت احمدیان

۱۵ روز یکبار منتشر می‌شود!

اگر مایلید جهان امروز را از طریق پست الکترونیکی دریافت دارید، آدرس خود را برای ما ارسال کنید.

ha@cpiran.org

\* جهان امروز تنها مطالبی که صرفاً برای این نشریه ارسال شده باشد را چاپ می‌کند.  
\* استفاده از مطالب جهان امروز با ذکر ماخذ آزاد است.  
\* مسئولیت مطالب جهان امروز با نویسندگان آن است و تنها مطالبی که با نام جهان امروز امضا شده باشد، موضع رسمی نشریه است.  
\* جهان امروز در ویرایش و کوتاه کردن مطالب رسیده آزاد است. این امر قبل از چاپ به اطلاع نویسنده می‌رسد.  
\* مطالب جهان امروز با برنامه "ورد فارسی" تایپ می‌شود و حداکثر سقف مطالب ارسالی سه صفحه A4 با سایز ۱۳ است.